



امام خمینی<sup>(ره)</sup>: این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

I. مناسب‌ترین گزینه را برای هر پرسش انتخاب نمایید.

۱. فرهنگ‌های ..... دربردارنده پرکاربردترین و رایج‌ترین واژگان هر زبان هستند.

الف. جامع ب. فشرده ج. تخصصی د. عمومی

۲. در فرهنگ‌های جامع، معانی مدخل‌ها بر اساس چه ترتیبی فهرست می‌شوند؟

الف. مسیر تحول تاریخی ب. تداول ج. کاربرد د. قدمت

۳. در متن‌های ..... زبان وسیله‌ای است برای بیان نیازهای روزمره یا گزارش حوادث و یا توضیح و تعلیم.

الف. رسمی و فنی ب. گزارشی و غیر فنی ج. توصیفی د. اطلاعاتی

۴. برای ترجمه متن‌های توصیفی یا عناصر توصیفی از ترجمه ..... استفاده می‌شود.

الف. معنایی ب. ارتباطی ج. لفظ به لفظ د. مفهومی

۵. در فرهنگ‌ها، نشانه‌هایی همچون Obs., SL., Col. نشان‌دهنده ..... واژه یا عبارت است.

الف. ریشه‌شناسی ب. گونه زبانی ج. طبقه دستوری د. معناشناسی

۶. در ترجمه کدامیک از گزینه‌های زیر از شیوه حرف‌نگاری استفاده شده است؟

a. Cummings کمینز b. Bernard Shaw برناردشا

c. Faulkner فاکنر d. Peter پیتر

۷. کدامیک از گزینه‌های زیر به درستی به فارسی ترجمه شده‌اند؟

a. Simon سامان b. Lili لیلی c. Al علی d. Eve حوا

۸. اسم خاص Michael درمتون غیر مذهبی چگونه نوشته می‌شود؟

الف. میکائیل ب. میشل ج. مایکل د. مایک

۹. کدامیک از عنوان‌های زیر به روش لفظ به لفظ ترجمه شده است؟

a. Sidhartha راهی را به درون b. The scarlet letter داغ ننگ

c. A Rose For Emily یک گل سرخ برای امیلی d. God's pauper سرگشته راه حق

۱۰. در ترجمه عبارت « هفته‌نامه آدینه » به انگلیسی، از چه شیوه‌ای استفاده می‌شود؟

الف. معنایی ب. کاربردی ج. حرف‌نگاری د. آوانگاری

II. مناسب‌ترین ترجمه را برای هر گزینه انتخاب نمایید.

11. I racked my brains.

ب. مغزم کار نمی‌کرد.

الف. به مغزم فشار آوردم.

د. مغزم رابه کار گرفتم.

ج. تلاش ذهنی کردم.

12. He knew that he couldn't walk anymore.

ب. می‌دانست که نخواهد توانست راه برود.

الف. او می‌دانست که دیگر نمی‌توانست راه برود.

د. او می‌دانست که توان راه رفتن ندارد.

ج. می‌دانست که دیگر نمی‌تواند راه برود.

13. I stood up for a moment and fell down again.

ب. یک لحظه ایستادم و دوباره افتادم.

الف. برای یک لحظه ایستادم و دوباره افتادم.

د. یک لحظه خواهم ایستاد و دوباره خواهم افتاد.

ج. برای یک لحظه می‌ایستم و دوباره می‌افتم.

14. At first he enjoyed the sensation of power.

ب. ابتدا از احساس قدرت لذت برده بود.

الف. ابتدا از احساس قدرت لذت برد.

د. ابتدا احساس قدرت برایش لذت بخش بود.

ج. ابتدا احساس کرد که از قدرت لذت می‌برد.

15. It was January the fifth.

ب. روز پنجم از ماه ژانویه بود.

الف. آن، ماه ژانویه، روز پنجم بود.

د. آن روز، پنجمین روز از ماه ژانویه بود.

ج. پنجم ژانویه بود.

16. Rain tapped against the glass.

ب. باران پشت شیشه می‌خورد.

الف. باران به شیشه می‌خورد.

د. باران در شیشه می‌خورد.

ج. باران روی شیشه می‌خورد.

17. That's what I used to tell him.

ب. من هم عادت داشتم همیشه همین را بهش بگویم.

الف. این چیزی است که عادت داشتم به او بگویم.

د. من هم همیشه همین را بهش می‌گفتم.

ج. این چیزی است که همیشه بهش می‌گفتم.

18. In inventing the locomotive, Watt and Stephenson were part inventors of time.

الف. در اختراع لوکوموتیو، وات و استفنسن مفهوم تازه‌ای از زمان را هم ابداع کردند.

ب. وات و استفنسن، در اختراع لوکوموتیو، مفهوم تازه‌ای از زمان را هم ابداع کردند.

ج. با اختراع لوکوموتیو، واتو استفنسن، مفهوم تازه‌ای از زمان ابداع کردند.

د. وات و استفنسن، با اختراع لوکوموتیو، مفهوم تازه‌ای از زمان هم ابداع کردند.

19. I was sure now that he was either English or American.

الف. حالا دیگر اطمینان داشتم که او یا انگلیسی بود یا آمریکایی

ب. حالا دیگر اطمینان داشتم که او یا انگلیسی است یا آمریکایی.

ج. حالا دیگر اطمینان دارم که او یا انگلیسی است یا آمریکایی.

د. حالا دیگر اطمینان دارم که او انگلیسی است نه آمریکایی.

20. I went over in my mind.

الف. ذهنم رابه کار انداختم.

ب. فکر کردم.

ج. در ذهنم مرور کردم.

د. در ذهنم نقشه کشیدم.

III. مناسبترین معادل را برای کلمه و یا عبارتی که زیر آن خط کشیده شده است، انتخاب نمایید.

21. No need to worry now when the grass was still crisp with the early frost.

الف. گرمای زود هنگام

ب. خشکی زود هنگام

ج. رطوبت زودرس

د. سرمای زودرس

22. Then I saw him arranging the books neatly in a wooden crate.

الف. خانه

ب. بسته

ج. گنجه

د. صندوق

23. The sea is the English character –apparently imperturbable and even.

الف. آرام

ب. پر تشویش

ج. پرتحرک

د. بی حرکت

24. The two live an idyllic life until Catherin dies.

الف. پرماجرا

ب. ساده

ج. آرام

د. پرهیاهو

25. To tell the truth, I believe in a woman keeping her place.

الف. گفتن حقیقت

ب. باگفتن درباره حقیقت

د. راستی

ج. راستش رو بخواهید.

26. Scat

الف. بفرمایید.

ب. لطفاً بروید.

ج. بزن به چاک.

د. بروید.

۲۷. و مدتی ویلان و سرگردان در کوچه‌ها گشت.

a. wandering around.

b. Straying aimlessly.

c. Walking aimlessly.

d. going around.

۲۸. خصلت ممدوح او پشتکار و فعالیت بی حد و حصر بود.

a. excellent quality

b. good quality

c. laudable characteristic

d. brilliant characteristic

۲۹. در شعر خود کلمات رابا روح شعر ..... تطبیق کرد.

- a. the spirit of poem
- b. the spirit of poetry
- c. the spirit of poet
- d. the spirit of poetess

۳۰. در سال ۱۳۰۰ علی اسفندیاری نام خود را به نینما یوشیج تغییر داد.

- a. In 1930, Ali Isfandiary changed his name to Nima Yushyj.
- b. In 1300, Ali Isfandiary changed his name to Nima Yushyj.
- c. Ali Isfandiary changed his name to Nima Yushyj in 1930.
- d. Ali Isfandiary changed his name to Nima Yushyj in 1300.

IV. متن‌های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید. هر متن ۱ نمره

1. As to Tom, he was thinking over some words of an unfashionable old book, which kept running through his head, again as follows: "We have here continuing city, but we seek one to come; wherefore God is called our God; for he hath prepared for us a city not ashamed to be".
2. Now he was there, one foot on the moon, then the other foot on the moon, the fine powder, like velvet, under foot. With one hand still on the ladder, he comments, "The surface is find and powdery, I can .....I can kick it up loosely my toe".
3. Doll's own first experience of this phenomenon had come from, or at least began with, a fist fight he had had six months ago with one of the biggest, toughest men: Corporal Jenks.
4. Our awareness of time has reached such a pitch of intensity that we suffer acutely whenever our travels take us into some corner of the world where people are not interested in minutes and seconds.
5. He sat up and called across the table, 'wake up'. Francis's shoulders shook and he waved a clenched fist in the air, but eyes remained closed.